

حرف درشت

اوضاع آبکی‌ما



پوریا عالمی

● پاییز عملا از دیروز شروع شد و اولین باران پاییزی سبب شد تهران و دیگر شهرها قفل شوند. خوشبختانه اگر در همه‌چیز بین تهران و شهرستان اختلاف توزیع امکانات وجود دارد، منتها در ترافیک و آلودگی هوا یک عدالت عجیبی بین همه شهرها برقرار است که ما از مسئولان مربوطه تشکر می‌کنیم.



همچنین نم باران مذکور سبب شد همه ایرانیان احساساتی بشوند و آب حاصل از باران را ببندند به کلامشان و در اینترنت شعر بنویسند. یکی از ناشران نیز اعلام کرد کتاب‌های شعری که شاعران جوان بر اثر باران می‌نویسند به‌قدری خیس است که کتاب‌ها بعد از چاپ خمیر می‌شوند.

به گفته دانشمندان، آب موجود در پاییز همه‌چیز را آبکی می‌کند، اما پلیس اعلام کرد با هر چیز آبکی حتی در پاییز برخورد خواهد کرد. در همین فضای شاعرانه، ۹۸ درصد جوانان صددرصد بیشتر حالت ازدواج پیدا می‌کنند. به‌همین‌دلیل از دخترخانوم‌ها تقاضا می‌کنیم پیشنهادها و لایک‌ها و دایرکت‌های درخواست ازدواج را جدی نگیرند! چون عشقی که به باران بند باشد، به تابستان نرسیده خشک می‌شود.

ازهمین‌رو دفاتر ازدواج اعلام کردند پسرها اگر با طرف برونند جزیره کیش و قشم و در گرما، حالت ازدواجشان از بین نرود، می‌توانند با ارائه بلیت سفر به جنوب کشور، رسماً ازدواج کنند. طبق اخبار رسیده، پاییز روی هرکسی تأثیر بگذارد، روی قلب سیاستمداران هیچ اثری ندارد، چون باران مثل میخ نرود در سنگ، در نتیجه اوضاع مثل سابق ادامه پیدا خواهد کرد.

شرق روزنامه

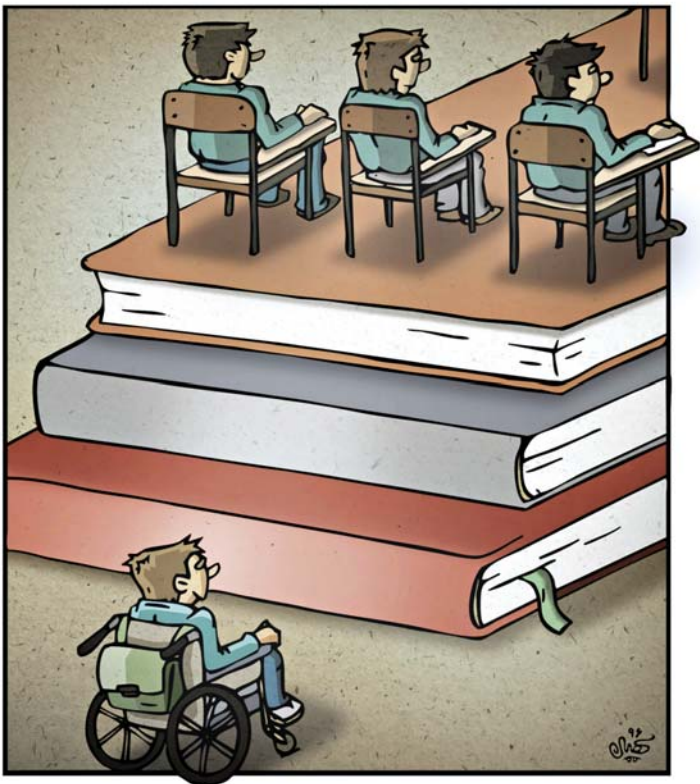
شنبه • ۱۵ مهر ۱۳۹۶ • ۱۶ محرم ۱۴۳۹ • ۷ اکتبر ۲۰۱۷ • سال پانزدهم • شماره ۲۹۷۹ • ۲۰ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۱:۵۲ • اذان مغرب ۱۷:۵۸ • اذان صبح فردا ۴:۴۲ • طلوع آفتاب ۶:۰۵

روزنامه‌فرا

کارتون خواب

سپهیل محمدی

به بهانه خبر ترک تحصیل برخی دانش آموزان معلول به دلیل مشکلات ایاب و ذهاب



تجربه دیگران

بدون مادرم هرگز

شرق: این روزها تصاویری از مردان سعودی در کنار زنان در حال رانندگی منتشر می‌شود. یکی از این تصاویر، عکسی است از یک کارگردان سینما و اهل عربستان‌سعودی در کنار مادرش در حال رانندگی. این عکس که در شبکه‌های اجتماعی به‌سرعت منتشر شد و بسیار پربازدید بود، فهد آل شریف، کارگردان اهل عربستان‌سعودی را همراه با مادرش نشان می‌دهد که سوار بر اتومبیلی به رانندگی مادر کارگردان به طرف مرز الرقعی میان عربستان و کویت می‌رود. کال‌نیوز چاپ دویی در مورد این تصویر که بیش از سه‌هزاربار ریتوییت شده، نوشته است که مردان عربستان‌سعودی به رسانه‌های اجتماعی روی آورده‌اند تا سلفی‌های خود را از مادران، خواهران یا همسرانشان که هدایت خودرو را در دست دارند، به اشتراک بگذارند. براساس این گزارش، بسیاری از کاربران توئیتر مردم عربستان‌سعودی را تشویق کرده‌اند تا تصاویر هرچه‌بیشتری از خود را تحت هشتگ «پشتیبانی از رانندگی زنان» به اشتراک بگذارند. فهد آل شریف دارای مدرک کارگردانی از دانشگاه یوسی‌ال‌ای است و تعدادی از فیلم‌هایش از جمله «شمشیر عرب» و «سوسک» برنده جوایزی شده‌اند. این در حالی است که مقامات سعودی همچنان در تعقیب مردی هستند که در توئیتر،



افراد استفاده‌کننده از هشتگ‌هایی مانند «پشتیبانی از رانندگی زنان» را به قتل تهدید کرده است. به گزارش رویترز، دادستان عمومی عربستان‌سعودی در ریاض برای کاربر توئیتری که دیگر کاربران را در این‌سورده به مرگ تهدید کرده، حکم جلب صادر کرده است. سلمان بن عبدالعزيز، پادشاه عربستان‌سعودی، هفته گذشته با انتشار حکم سلطنتی، ممنوعیت رانندگی زنان را لغو کرد. عده‌ای از تحلیلگران این حرکت جنجال‌برانگیز را مقدمه ورود زنان عربستان‌سعودی به بازار کار دانسته‌اند. به نوشته کال‌نیوز، این اقدام در راستای برنامه‌های بلندپروازانه اصلاحی شاهزاده محمد بن سلمان برای تقویت درآمدهای غیرنفتی در اقتصاد عربستان‌سعودی است. درهمین‌حال تایمزمالی در گزارشی با عنوان «تصمیم سعودی در مورد رانندگی زنان نشانه اصلاحات گسترده‌تر است»، به بازداشت تعدادی از فعالان اقتصادی عربستان در روز پیش از صدور فرمان پادشاه آن کشور اشاره کرده که به این اندازه در شبکه‌های اجتماعی بازتاب نداشته و تحت‌الشعاع ماجرای رانندگی قرار گرفته است. به نوشته این روزنامه، بازداشت‌شدگان عمدتاً منتقدان تصمیم‌های اقتصادی پادشاه عربستان هستند.

این‌شگفتی درباره تغییرات در عربستان و افزایش فضا برای حضور زنان ادامه دارد و تنها به ماجرای رانندگی و آزادی آواز زنان و دادن فتوا و اجازه خروج از کشور بدون نیاز به رضایت همسر یا پدر منتهی نمی‌شود. تحلیل‌ها ادامه دارد و حتی آن را به واگذاری قدرت از سوی پادشاه کنونی عربستان نیز وابسته می‌دانند. البته نحوه مواجهه مردان نیز با این قوانین قابل‌توجه است. نمونه‌اش ویدئویی که ابتدا از خشونت در برابر زنان در رانندگی حکایت می‌کرد، اعلام شد مربوط به دعویی در سال‌های قبل است. اکنون مجموعه‌ای از تصاویر درباره کشته‌شدن یکی از زنان در رانندگی منتشر شده است. همچنین در شبکه‌های اجتماعی اعلام شد زنان هنگام ازدواج و برای مهریه درخواست‌هایی نظیر داشتن ماشین ۲۰۱۷ و حق آزادی سفر نیز مطرح کرده‌اند.

پشت جلد

توپ برجام!

باشد، ولی از سوی دیگران موضوع برعکس است. کشوری که زیر تعهد بین‌المللی خود می‌زند، با اعتبار خود بازی می‌کند. اگر آمریکا از برجام خارج شود، عملاً این پیام را به دنیا می‌دهد که تعهداتش قابل‌اعتماد نیستند و اعتباری ندارند. آیا اروپا و روسیه و چین نهایتاً با او همراهی می‌کنند؟ قطعاً خیر! خروج آمریکا البته مسیر پیشاروی برجام را دشوارتر می‌کند، ولی چنانچه پنج کشور دیگر تسلیم خودخواهی غیرمنطقی ترامپ شوند، اعتبار آنها هم به‌تبع آمریکا مخدوش می‌شود، در نتیجه طبیعی است که آنها مقاومت کنند. تا پیش از امضای برجام، ایران در مظان اتهام بود حالا همکاری و همراهی ایران در مفاهمه و توافق بر همگان آشکار است و این امریکاست که متهم اصلی تخریب مسیر گفت‌وگو و توافق‌های حقوقی و مسیر مسالمت‌آمیز است. این اتهامات سنگین است و فقط کسی چون ترامپ آنها را می‌پذیرد که گویی آب از سرش گذشته است. برهم‌زدن بازی برجام ممکن است ساده به نظر برسد، ولی تبعات سسنگینش مثل طنابی دور کردن ترامپ خواهد بود!

یادداشت

فقط برای ثبت در تاریخ

را مطرح کرده بود. موزه ملی ایران تصمیم گرفت از رئیس‌جمهور یونان به این مناسبت دعوت کند. آقای هومن صدر مدیر این برنامه شد. از من دعوت کرد در این زمینه کاری انجام دهم. تمام دیوارهای موزه ایران باستان را با پارچه سفید پوشاندم؛ از سقف تا زمین. من تمام دیوارها را طراحی کردم با مضمون ارتباط هنر ایران و یونان. قطعا بیش از ۲۰۰ مترمربع بود. اشاره‌ای به هنر دوران سلوکی. با مجسمه‌هایی که از انبار به این مناسبت بیرون آورده شده بود.

مراسم برگزار شد؛ با حضور رئیس‌جمهور یونان و مقامات. هجوم مدعوین ایرانی به میز غذا، از علاقه وافر آنان به خاویار و میگو حکایت داشت. من و سیمین به آرامی از گوشه‌ای فرار کردیم، شرم‌آور بود. بعد از مدتی آقای محمدرضا کارگر مدیر موزه به سبک سلطان محمود غزنوی یک سکه بهار آزادی به من مرحمت کردند. اما هیچ‌گاه نفهمیدم سرنوشت این پارچه‌ها چه شد و تلاش‌های بی‌ثمر ماند.

دهه ۸۰ بود. خانمی به نام شاهد کاووسی به کارگاهم آمد و گفت از یک گالری معتبر به نام گالری فایسان در ماریبا جنوب اسپانیا برای نمایشگاهی از کارهای من وقت گرفته، بیست‌وچند کار به او امانت دادم و نمایشگاه به‌خوبی برگزار شد. چند کار نیز فروخته شد. تعدادی از کارها به من بازگردانده شد. اما پنج تابلوی بزرگ هرگز به من برگردانده نشد. خانم کاووسی نیز هرگز به تلفن‌های من پاسخ نداد. روزی کسی با من تماس گرفت که یکی از آن تابلوها را بر دیوار لابی هتل الکساندرا دیده است. یکی از همان تابلوها که هیچ‌گاه برگشته بود.

همین چند ماه پیش بود، که خانمی که مدیر یکی از گالری‌های تازه‌تأسیس شده است، با من تماس گرفت و برای یک نمایشگاه گروهی از من کار خواست؛ دو تابلو به او امانت دادم. پس از نمایشگاه یکی از آنها را با وانت برای من فرستاد؛ تابلوی آناهیتا (الهه باران). به شکل بسیار پیچیده و مرموزی کار در راه رسیدن به من، کم شد دزدیده شد. بعد از تماس‌های مکرر با خانم گالری‌دار، ایشان گفتند من کار را برای شما فرستاده‌ام؛ دیگر اینکه چه اتفاقی برای آن افتاده است، مسئولیتی برعهده من نیست.

عجایب و غرایب

مهریه‌هایی برای زندانی‌شدن

استان خوزستان شده تا جوانی که هزارو ۳۵۶ سکه را بر عهده گرفته است. به هرحال پیشنهاد این مسئول استفاده از اعداد ۲۱،۱۴ و ۷۲ و نهایتاً ۱۱۰ در تعیین مهریه است و یادآوری کرده که برخی پیشنهاد حفظ ۱۵ جزء قران یا اشعار حافظ را داشته‌اند. اما این مسئول حجت را نیز تمام کرده است؛ حتی اگر کسی آن‌قدر ناتوان در پرداخت مهریه باشد، سقف تسهیلات هم رقمی معادل ۵۰ میلیون تومان است که با اقساط ۱۴۰ تا ۲۰۰ ماهه در اختیار متقاضیان قرار می‌گیرد. این یعنی بدهکار مهریه دست‌کم ۱۱ سال و حداکثر ۱۶ سال و شش ماه باید قسط پرداخت کند.

به هرحال همان‌طور که نص صریح قانون است، مهریه هم داده و هم گرفته می‌شود و به نظر این مسئول زنان و مردان جوان قبل از ازدواج سیری به دادگاه‌های خانواده بزنند و مسائل رایج آنجا را مشاهده و بعد برای ازدواج اقدام کنند.

درباره مهریه نکاتی وجود دارد که شاید همه می‌دانند اما مدام فراموش می‌کنند. براساس قانون جدید حمایت خانواده هرگاه مهریه بیش از ۱۱۰ سکه تعیین شده باشد، در ابتدا باید ۱۱۰ سکه مطابق قانون پرداخت شود و در صورت امتناع از پرداخت، مطابق ماده دو محکومیت‌های مالی، زندان در انتظار فرد خاطی است. طبق ماده ۱۰۸۲ به مجرد عقد، زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن انجام دهد. مدیرعامل ستاد دیه کشور سیداسدالله جولایی گفت‌وگویی با تسنیم انجام داده و از مهریه‌های متفاوت گفته است؛ مثلاً سلفی با مسی و رونالدو، سفر به ۱۱۰ پایتخت جهان. البته ابراز خشنودی کرده که زمان این نوع مهریه‌ها به سر رسیده است. با تمام همراهی‌هایی که قانون با مردان انجام داده است، دوهزارو ۵۰۰ نفر در زندان‌های کشور به دلیل نپرداختن ۱۱۰ سکه زندانی هستند.

از مرد ۹۲ساله که روانه زندانی در سپیدار



کریم ارغنده‌پور

آن‌طور که رسانه‌ها خبر داده‌اند، احتمال دارد ترامپ هفته آینده تعهد ایران به برجام را تأیید نکند و به‌این‌ترتیب تسوپ عدم تمدید حضور آمریکا در آن را به زمین کنگره این کشور بیندازد. این مسئله در صورت بروز چه تبعاتی خواهد داشت؟ نوع برخورد ترامپ در قبال برجام مرا به یاد نوع مواجهه او با رسانه‌های کشورش می‌اندازد. ترامپ، اغلب رسانه‌ها را – که مخالف او هستند– دشمن ملت می‌خواند و روزی نیست که چیزی علیه آنها ننویسد. این عجیب‌ترین موضعی است که تا‌به‌حال از سوی یک رئیس‌جمهور اتخاذ شده است. پرچم این دشمنی از پیش از انتخابات بلند شده، ولی انتظار این بود که پس از انتخابات هر دو طرف فتنه آتش را پایین بکشند، ولی ترامپ ترجیح می‌دهد همچنان بر آن بدمد. چرا؟ نکته در همین‌جاست.



بهرام دبیری

سال‌های جنگ بود، شاید سال ۶۲. شورای نویسندگان و هنرمندان از تعدادی نقاشی از جمله من دعوت کرد تا تابلوهایی با موضوع جنگ را برای نمایشگاه‌هایی در شهرهای شمالی کشور ارائه دهند. بعد از مدتی خبر دادند اشخاصی به این نمایشگاه حمله و این آثار را پاره کرده‌اند.

دهه ۶۰ بود، آقای عباس کاشی که خطاط بود، رئیس موزه هنرهای معاصر هم بود، آدمیزاد شریفی هم بود. از من خواست اثری را برای نمایش به موزه بدهم. کار بزرگی (سه‌لت) برای موزه فرستادم. پس از نمایشگاه به موزه رفتم تا اثرم را پس بگیرم، آقای کاشی نبود، گفتند رئیس موزه آقای حسینی هستند. به دفترش رفتم و گفتم برای بردن تابلو آمده‌ام. گفت: از کجا که این تابلو مال شما باشد. گفتم: امضای من زیر آن تابلو است. گفت: بله می‌دانم؛ از کجا معلوم که تابلو را به موزه نفروخته باشید.

گفتم: اگر فروخته باشم، باید کاغذها و مدارکی در موزه باشد. این یک خرید دولتی است.

گفت: نه آقا.

و دستی بر شانه من زد و ادامه داد: این کت تا زمانی که بر تن شماست، مال شماست. اما زمانی که دربیابورید و بر این صندلی بگذارید و من بردارم و ببوشم، دیگر مال شما نیست.

قانع‌کننده بود. از دفتر ایشان بیرون آمدم.